

شهر اندیشه های شهریار

دکتر محمد ناصر

عضو هیأت علمی گروه فارسی، دانشکده ی خاورشناسی
دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان

SHEHRYAR'S THOUGHTS

AN ANALYTICAL STUDY

Muhammad Nasir, PhD

Professor of Persian

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

Sayyed Mohammad Hossein Behjat Tabrizi was a legendary Iranian poet of Azeri origin, wrote in Azerbaijani and Persian languages. Sherhryar was the first Iranian to write significant poetry in Turkish. His poems are mainly influenced by Hafez and Khasta Gasem, an old Turkish poet. His most famous poem Heydar-Babaya Salam is considered the best modern poem in Turkish language. Many of his bitter sweet memories are composed in Azerbaijani and later translated into Persian. He also wrote a book of epic poems, Takht-e Jamshid. He was interested in humanistic issues and in his poem "A letter to Einstein" he criticizes result of his scientific work that was abused as nuclear weapons. One of the major reasons for the success of Shahyar's work is the sincerity of his word. Since he uses slang and colloquial language in the context of poetry, his poems are understandable and effective for a broad segment of the public.

Keywords: 20th century Persian poetry, Shahryar, Life, Works, Style, Theme, Impact, Ideology.

سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به "شهریار"، شاعر بلند آوازه‌ی ایرانی که به زبانهای ترکی، آذربایجانی و فارسی شعر سروده است، در سال ۱۲۸۵ ش در شهر تبریز، مرکز آذربایجان شرقی ایران، متولد شد. پدرش حاج میر آقا بهجت تبریزی نام داشت که در تبریز وکیل بود. (محمدی، ۲۵۳) شهریار دوران کودکی خود را در میان روستائیان صمیمی و خونگرم خشک‌ناب در کنار کوه افسونگر "حیدر بابا" گذراند، و خاطرات زندگی لطفی خود را در میان مردم مهربان و پاک طینت روستا و در حریم آن کوه سحرانگیز به ذهن سپرد. او شرح حال دوران کودکی خود را در اشعار آذربایجانی اش بسیار زیبا، تأثیرگذار و روان به تصویر کشیده است. (همو، همانجا)

شهریار پس از به پایان رساندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۰ ش به تهران رفت و دنباله‌ی تحصیلات خود را در "دارالفنون" ادامه داد، در سال ۱۳۰۳ ش وارد مدرسه‌ی طب شد، و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی پزشکی، یک سال قبل از دریافت درجه‌ی دکتری پزشکی به جهت دگرگونی روحی و پرده‌ای که پیدا کرده بود، به طور کلی رشته‌ی پزشکی را رها کرد. اصولاً تحصیل در این رشته با روایات شهریار همخوانی نداشته است. گفته می‌شود شهریار دانشجوی سال آخر رشته‌ی پزشکی بود که عاشق دختری شد. پس از خواستگاری نیز گویا خانواده‌ی دختر با توجه به وضع مالی محمد حسین تصمیم گرفت که دختر خود را به خواستگار مرفه‌تر بدهد. این شکست عشقی بر او بسیار گران آمد، و با این که فقط یک سال به پایان دوره‌ی پزشکی مانده بود، ترك تحصیل کرد. (آرین پور، ۵۱۰)

شهریار بعد از این شکست عشقی که منجر به ترك تحصیل وی

شد، به صورت جدی به شعر روی آورد و منظومه های بسیاری را سرود. پس از سفر چهارساله ای به خراسان برای کار در اداره ی ثبت اسناد مشهد و نیشابور، به تهران بازگشت. او در ۱۳۱۵ش در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. دانشگاه تبریز شهریار را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و عنوان دکترای افتخاری دانشکده ی ادبیات تبریز را نیز به وی اعطا نمود. (زاهدی، ۴۷) در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ش اثر مشهور خود - حیدرپایه سلام - را سرود. منظومه حیدرپایا به زبانهای متعدد جهان ترجمه و منتشر شده است. (محمدی، ۲۵۴، ۲۵۵)

شهریار در ۱۳۱۲ش پدرش را از دست داد، و در تیر ماه ۱۳۳۱ش مادرش درگذشت. (آرین پور، ۵۱۰) و در سال ۱۳۳۲ش، در ۴۸ سالگی با یکی از بستگانش ازدواج کرد. همسرش آموزگار بود و در تبریز تدریس می کرد. سرانجام خورشید حیات شهریار ملک سخن و آفتاب زندگی ملک الشعراء بی بدیل ایران پس از هشتاد و سه سال تابش پُرفروغ در کوچه های آذربایجان در مهر ماه ۱۳۲۷ش غروب کرد (محمدی، همانجا)

اما او هرگز نمرده است زیرا اکنون نام او زیبنده ی روز ملی شعر و ادب ایران و نیز صدها، میدان، خیابان، مرکز فرهنگی، بوستان و ... در کشور ایران و نیز در ممالک حوزه های آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه می باشد. ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۲۷ش سالروز وفات آن شاعر عاشق و عارف بزرگ است. در آن روز پیکرش بر دوش دهها هزار تن از دوستدارانش تا مقبره الشعراء تبریز حمل شده در جوار افاضل ادب و هنر به خاک سپرده شد. ۲۷ شهریور ماه، سالروز خاموشی شهریار شعر ایران با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی "روز ملی شعر و ادب" نامیده شده است. (زرفانی، ۱۷۴)

استاد محمد حسین بهجت تبریزی در اوایل شاعری، از تخلص
 ”بهجت“ در اشعار خود استفاده می کرد. روزی به این فکر می افتد که
 تخلص شعری جدیدی برگزیند. از آنجا که از دوره ی کودکی به حافظ
 شیرین سخن (۴۲۷. ۴۹۲ق) ارادت خاصی داشت، در این کار از او استمداد
 می کند. پس از اهدای حمد و سوره ای به روان خواجه ی شیراز، به دیوان او
 مراجعه می کند و این مصرع در جلو چشمش نمایان می شود:

”که چرخ سکه ی دولت به نام شهریاران زد“ (۱)

سید محمد حسین از دیدن این مصرع ابرو درهم می کشد و بار
 دیگر تذاللی به دیوان حافظ می زند. این بار نیز این مصرع می آید:
 ”به شهر خود روم و شهریار خود باشم“ (حافظ، ۴۵۷) (۲)
 شهریار لبخندی می زند و می گوید:

”لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی“ (همو، ۲۷۵)

از آن تاریخ استاد محمد حسین بهجت تبریزی، تخلص
 ”شهریار“ را برای خود بر میگزیند.

شهریار به شعر نظامی گنجوی (۲۰۸. ۵۳۷ق) نیز توجه ی خاصی
 داشته و از لحاظ زبان از او متأثر است. (مشرف، ۲۹) مقایسه ی ابیاتی از
 شهریار و نظامی این تأثیر را نشان می دهد. شهریار روشن بین بود، و به
 تمامی هنرها، به ویژه شعر، موسیقی و خوشنویسی علاقه داشت. او نسخ و
 نستعلیق را خوب می نوشت و قرآن را با خط خوش کتابت می کرد. در
 جوانی، سمه تار را به نیکویتی تمام می نواخت، ولی پس از مدتی در پی
 تحولات درونی، برای همیشه آن را کنار گذاشت. نخستین منظومه ای که
 از شهریار به چاپ رسیده است مثنوی ”روح پروانه“ است که به دنبال آن

در سال ۱۳۱۰ ش از اشعار وی با مقدم بزرگان ادب آن روزگار، نظیر ملک الشعراء علامه محمد تقی بهار (۱۲۲۵-۱۳۳۰ ش) و استاد سعید نفیسی (۱۲۴۴-۱۳۴۵ ش)، به همت کتابخانه ی خیام چاپ و منتشر شد. (آرین پور، ۵۱۱) بهار که خود شاعری زبردست بود، درباره ی شعر شهریار گفته است: "او نه تمنها افتخار ایران، بلکه افتخار شرق است." (مقدمه ی روح پروانه) بیشتر اشعار شهریار به مناسبت حال و مقال سروده شده و از این روست که شاعر همه جا، حتی در بلندترین غزلهای خود که با سخن استادان بزرگ شعر پارسی پرایی می کند، از آوردن لغات و تعبیرات روز و اصطلاحات معمول عامیانه امساك نمی کند و تنها صبیغه زمان است که شعر او را از سخن گویندگان قدیم جدا می سازد. بسیاری از اشعار او به فارسی و زبان ترکی آذربایجانی جز آثار ماندگار این زبانهاست، شهرت شهریار تقریباً بی سابقه است، تمام کشورهای فارسی زبان و ترك زبان، بلکه هر جا که ترجمه ی یک قطعه ی او رفته باشد، پیر او را می ستایند. (یا حقی، ۱۲۸-۱۴۲)

منظومه حیدر با پایه سلام که در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ ش سروده شده است، از مهمترین آثار ادبی ترکی آذربایجانی شناخته می شود. "حیدر باپا" نه تنها تا کوره دهبای آذربایجان، بلکه به ترکیه و قفقاز هم رفته و در ترکیه و جمهوری آذربایجان چندین بار چاپ شده است، بدون استثنا ممکن نیست ترك زبانی منظومه ی حیدر باپا را بشنود و منقلب نشود. این منظومه از آثار جاویدان شهریار و نخستین شعری است که وی به زبان مادری خود سروده است. او در سرودن این منظومه از ادبیات ملی آذربایجان الهام گرفته است. این منظومه تجلی شور و خروش جوشیده از

عشق شهریار به مردم آن دیار است و در اکثر دانشگاه های جهان از جمله دانشگاه کلمبیا در ایالات متحده آمریکا مورد بحث رساله ی دکترای قرار گرفته است.

شهریار در سرودن شعر ذوق و توانایی شگفت انگیزی داشت. او پیرو مکتب ادبی و عرفانی حافظ بود. او شاعرهای جاودانه ای در قالب قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و شعر آزاد پدید آورد و آثار درخشانی به دو زبان فارسی و ترکی بر جای گذاشت. شاعر ما علاقه به آب و خاک وطن را در غزل آذربایجان (۵۵۳/ج ۱)، عید خون (۲۰۷/ج ۱) و قصاید مهمان شهریار (۵۰۹/ج ۱)، شیون شعر (۲۷۰/ج ۱) و به آخره تخت جمشید (۵۵۹/ج ۱) به زبان شعر بیان کرده است. طبع شهریار در قالب گیری بسیار قوی است. کلمات زیبا و قافیه های سنگین را با تردستی و چالاکی شکار می کند. فکر و اندیشه و مضامین نور را با مصالحتی که غالباً از استادان قدیم به عاریه گرفته، کار می گذارد. شمع و شابد و اشک و چاه و غم همکار او هستند، ولی شهریار در این لباس فاخر کهنه ی دیگران، آزاد و مستقل است. شرح عشق طولانی و آتشین شهریار در غزلهای ماه سفر کرده (۲۳۱/ج ۱)، توشه ی سفر (۲۰۳/ج ۱)، پروانه در آتش (۹۷/ج ۱)، غوغای غروب (۲۲۹/ج ۱) و پری پیراهن (۲۲۳/ج ۱) مشروح است، و زمان سختی آن عشق در قصیده پرتو پاینده (۵۰۲/ج ۱) بیان شده است، و غزلهای خسار انتظار (۲۹۸/ج ۱)، ناله ی ناکامی (۲۹۲/ج ۱)، شاهد پنداری (۲۳۲/ج ۱)، شکرین پسته خاموش (۲۳۱/ج ۱)، تو پیمان و دیگران (۲۳۷/ج ۱)، ناله ی نومیدی (۱۹۲/ج ۱)، و مثنوی غروب نیشابور (۹۰/ج ۲) حالات شاعر را در جریان آن عشق حکایت می کند. او در دیوان

خود از خاطرات آن عشق غزلها و اشعار دیگری نیز دارد، از قبیل حالا چرا (۱/ج ۴۹) و دستم به دامانت (۱/ج ۱۴۷) که مطالعه‌ی آنها به خوانندگان نشاط می‌دهد.

عشق عارفانه‌ی شهریار را می‌توان در خلال غزلهای یار قدیم (۳۲۲/ج ۱)، انتظار (۳۹۰/ج ۱)، جمع و تفریق (۲۰۲/ج ۱)، وحشی شکار (۳۲۷/ج ۱)، یوسف گمگشته (۳۳۷/ج ۱)، مسافر بهمان (۲۰۳/ج ۱)، حراج عشق (۲۹۳/ج ۱)، سراز صیبا (۲۴۰/ج ۱)، و نای شبان (۴۱۳/ج ۱)، اشک مریم (۴۲۹/ج ۲)، دو مرغ پهبشتی (۱۸۵/ج ۲)، و غزلهای ملال محبت (۱۴۷/ج ۱)، نسخه‌ی جادو (۱۸۵/ج ۱)، شاعر افسانه (۳۳۵/ج ۱) و خیلی آثار دیگر مشاهده کرد. برای آن که عشق شهریار را تماشا کنید، کافی است عشق او را در صفحات دیوان بیابید و جلوی روشنی دل بگذارید، هر چه ملاحظه کردید همان است که شهریار می‌خواسته است. محرومیت و ناکامیهای شهریار در غزلهای گوهر فروش (۳۰۴/ج ۱)، ناکامیها (۹۴/ج ۱)، جرس کاروان (۳۳۰/ج ۱)، ناله‌ی روح (۸۴/ج ۱) و زفاف شاعر (۲۲۲/ج ۲) به زبان خود شاعر بیان شده است. خیطی از خاطرات تلخ و شیرین شهریار از کودکی تا امروز در هذیان دل (۲۳۱/ج ۲)، مومیمایی (۲۱۹/ج ۲)، افسانه‌ی شنب (شامل هفده شعر: ۲۰۵ الی ۲۹۱/ج ۲)، و حیدر بابایه به نظر می‌رسد.

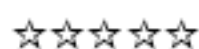
شهریار روح بسیار حساسی داشت. او سنگ صبور غمهای نوع انسان بود. اشعار او تجلی دردهای بشری است. او مقوله‌ی عشق را در اشعار خویش نابتر از هر شعری عرضه داشته است. شعر او، با زندگی وی در آمیخته و با عقایدش جان گرفته است؛ به طوری که از عمق ضمیر او

فوران می کنند و عقیده ی استوار و اندیشه ی ناب او را آشکار می سازد. شهریار، دوستدار و عاشق قرآن بود، و این عشق در شعرهای او پدیداست؛ عشق و ارادت خاص شهریار به امیرالمؤمنین حضرت علی، رنگ دیگری دارد و سبب شده است معروفترین، زیباترین و گیراترین اثر خود، یعنی "علی ای همای رحمت" (۲۹/ج ۱) را بسراید که سرودن آن، ماجرایی پس خواندنی دارد و آدمی را منقلب می کند. (۲)

شهریار، شعر را هنرمندانه به خدمت گرفته بود تا مذهب، ملت و میهن خود را به جهانیان معرفی کند. شعر او گاه خواننده را به اندیشه های دور و دراز می برد، به آسمانهای عرفان و انسانیت کامل پرواز می دهد، و عالم هایی بالاتر از این عالم ظاهری را که خود درک کرده است به او نشان می دهد، گاه نیز خواننده را دگرگون می کند و او را و می دارد، پی اختیار به روزگار حسرت خود، به ناپایداری روزگار، آرزوهای محال، فرصت های از دست رفته و بر آن گذشته ای که باز آمدنی نیست اشک بریزد، و نیز گذشته ی تلخ و شیرین خود را در آن ببیند. در واقع، هر یک از شعرهای شهریار، پرده ای از سوز و سازها و افت و خیزهای زندگی او را نشان می دهد، و او همواره از وطن، اجتماع و تاریخ سخن می گوید. علاوه بر این "از شاعران نام آور پیش از انقلاب، کسانی شعر جنگ سروده اند که از جمله می تون از شهریار نام برد که نمونه هایی خوب از شعر جنگ را با تنوعات مفهومی پدید آورده اند." (رستگار فسایی، ۲۲۵)، او را از سایر شاعران معاصر برجسته تر می نماید، او پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش شعرهایی در مدح نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می سراید.

شهریار شاعری عاشق بود که شعر او جلوه ای از پاکی و جود

و تبلور حقیقی احساس بود. تازگی مضمون، خیال، تعبیر، حتی در قالب شعر دیوان او را از بسیاری شاعران عصر متمایز کرده است. بی تردید در میان سخنوران قرن بیستم میلادی کمتر شاعری به نام و آوازه‌ای همچون شهریار دست یافته است. در بررسی مجموعی به این نتیجه می‌رسیم که او شاعری نوجور و پویاست و سبک بیان او نیز ادامه و دنباله سبک دوره بازگشت ادبی است که مسیری در کمال نیز پیموده است.



یادداشتها

۱. در دیوان حافظ به کوشش خطیب رهبر همین بیت بدین قرار است:
دوام عمرو ملک او بخواه از لطف حق ای دل / که چرخ این سکه دولت
به دور روزگاران زد
(دیوان حافظ، به کوشش خطیب رهبر، ص ۲۰۸)
۲. شهریار در یک غزل با مطلع: گذشت آنکه در آغوش یار خود باشم / به
زیر چتر گل گل‌عذار خود باشم
به آن قصه اشاره ای دارد، مقطع همان غزل بدین قرار است:
گذشت آنکه به فرمان خواجه ی شیراز / "به شهر خود روم و شهریار خود
باشم" (شهریار، دیوان، ۳۰۹/ج ۱)
۳. علی ای همای رحمت...
علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را
دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند / چو علی گرفته باشد سرچشمه ی بقا را
 مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ار نه دوزخ / به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را
 برو ای گدای مسکین در خانه ی علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
 به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
 به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب / که علم کند به عالم شهادی کربلا را
 چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان / چو علی که می تواند که به سر برد وفا را
 نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
 به دو چشم خون فشانم پله ای نسیم رحمت / که ز کوی او غیاری به من آرد توتیا را
 به امید آن که شاید برسد به خاک پایت / چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را
 چه تویی قضای گردان به دعای مستمندان / که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را
 چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم / که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را:
 ”همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را“
 ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش
 است شهریارا (۴۹/ج ۱)

آیت الله مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شعر شهریار تمام شد، از خواب بیدار شدم. فردای آن روز پرسیدم که شهریار شاعر، کیست؟ گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند. گفتم: از جانب من او را دعوت کنید. چند روز بعد شهریار آمد؛ دیدم همان کسی است که من او را در خواب در حضور حضرت علی دیده ام. از او پرسیدم: این شعر ”علی ای همای رحمت“ را کی ساخته ای؟ شهریار با حالت تعجب از من سوال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را ساخته ام، چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده ام. آیت الله مرعشی گفت: چند شب قبل من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و حضرت امیرالمؤمنین

تشریف دارند . حضرت، شعرای اهل بیت را احضار فرمودند. ابتدا شعرای عرب آمدند . سپس فرمودند: شعرای فارسی زبان را بگویید بیایند. آنها نیز آمدند . بعد فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید! و شما هم آمدید. آنگاه حضرت فرمودند: شهریار شعرت را بخوان، و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم، خواندید . شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید: من فلان شب این شعر را ساخته ام و همانطور که قبلاً عرض کردم، تا کنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده ام.

☆☆☆☆☆

کتابشناسی

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲ ش) از نیما تا روزگار ما، تاریخ سال ادب فارسی معاصر، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ایران
- حافظ شیرازی (۱۳۷۴ ش) دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ پانزدهم، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ایران
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰ ش) انواع شعر فارسی، مباحثی در صورتها و معانی شعر کهن و نو پارسی، چاپ دوم، انتشارات نوید، شیراز، ایران
- زاهدی، لطف الله (۱۳۳۷ ش) بیوگرافی استاد شهریار . چاپ دهم، انتشارات نگاه و زرین، تهران و تبریز، ایران
- زرفانی، سید مهدی (۱۳۸۳ ش) چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ایران
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳ ش) راهنمای ادبیات معاصر، چاپ نخست، نشر میترا، تهران، ایران
- شهریار، استاد محمد حسین بهجت تبریزی (۱۳۷۷ ش) دیوان شهریار، دوره ی دو جلدی، چاپ بیستم، انتشارات زرین و انتشارات نگاه، تهران، ایران
- همو (۱۳۹۳ ش) سلام بر حیدر بابایه، ترجمه ی حیدر بابای شهریار به شعر فارسی، ترجمه ی امیر حسین الهیاری، نشر قطره، تهران، ایران

- علی‌محمدی، ابوالفضل، ریحانه گلهر، سید فرشید سادات شریفی (۱۳۹۳ ش) کتابشناسی استاد شهریار، انتشارات ریتم، تبریز، ایران
- محمدی، حسن علی (۱۳۷۳ ش) از بهار تا شهریار، شعر معاصر ایران، (دوره ی دو جلدی) چاپ دوم، انتشارات ارغنون، تهران، ایران
- مشرف، مریم (۱۳۸۲ ش) مرغ بهشتی، زندگی و شعر سید محمد حسین بهجت تبریزی شهریار، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ایران
- وفایی، عباس علی (۱۳۸۷ ش) سفر در آینه، نقد و بررسی ادبیات معاصر، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ایران
- هیأت علمی همایش و جمعی از نویسندگان، ویراستار: حمید سفیدگر شهانقی (۱۳۹۳ ش) شاهد شعر، مجموعه ی مقالات همایش بین المللی فرهنگ مردم در شعر استاد شهریار، انتشارات ریتم، تبریز، ایران
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵ ش) چون سبوی تشنه، چاپ سوم، انتشارات جام، تهران، ایران

